

## سید حسن نصر ا...



نیست. علم، نفس را تهذیب نمی‌کند. ممکن است علم، انسان را به جهنم بفرستد. حتی علم فقه ممکن است انسان را به جهنم بفرستد. حتی علم اخلاق می‌تواند انسان را به جهنم بکشاند... تزکیه لازم است. تزکیه، بر همه چیز مقدم است.

برادران و خواهران؛ تنها به این دو نکته خواستم اشاره کنم: یکی، رابطه میان عرفان با جهاد و مبارزه، تا مبدا عرفان موجب شود کسی از ما به گوشه‌گیری و انزوا رو آورد - به‌خصوص در دنیایی که تهدیدات و خطرهای زیادی، امت اسلام را هدف قرار داده است - و دیگری، اهمیت و لزوم تهذیب و تزکیه نفس، تا مبدا نفسمان گرفتار اصطلاحات و مباحث فکری شود و خود را در حجاب اکبر زندانی کنیم؛ و خدای ناکرده عمرمان را بگذرانیم و گمان کنیم در راه خدا گام برمی‌داریم و زمانی از خواب غفلت بیدار شویم که فرصت از دست رفته باشد.

منبع: <http://www.iricap.com>

در محضر  
نائب‌الامام

[naboleam.ir](http://naboleam.ir)

شهادت‌طلبی خود را به اثبات رسانند.

در همین رابطه رهبر انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - دام ظلّه - در یکی از سخنرانیهای خود می‌فرمایند: برخی از جوانان سیزده تا بیست ساله توانستند به مقام و درجاتی در نزد خداوند برسند که بسیاری از اهل سیر و سلوک در طول دهها سال به آن مرحله نرسیدند.

ما باید همواره بر این برداشت صحیح از مفهوم عرفان تأکید نماییم تا از افتادن جوانان در دام انحرافات جلوگیری کنیم. جوانان، تشنه معنویات هستند و باید آنان را به راه درست - که به هدف منتهی می‌شود - راهنمایی نماییم؛ زیرا شاهد بوده‌ایم که برداشت و درک نادرست از عرفان، بسیاری از جوانان فعال و فداکار را به انزوا و گوشه‌گیری کشانده و با تضعیف نیروی آنان، موجب قرار گرفتن آنها در کنج فراموشی گردیده است. در نتیجه، آنها از تلاش در راه خدمت به امت اسلام و بشریت به دور مانده‌اند و این درواقع،

سده‌ی بر سر راه نزدیکی به خدا و مانعی در مسیر رسیدن به پروردگار است. نکته دیگر آنکه حضرت امام(ره) بر اهمیت تهذیب نفس، تأکید فراوان داشتند و آن را تنها راه رهایی از علت اصلی مفاسد و انحرافات؛ یعنی «حب‌نفس» و «خودپرستی» دانسته‌اند.

عرفان، به تنهایی نمی‌تواند موجب نجات انسان شود؛ بلکه حتی این حالت - با وجودی که از حالات والا و شریف محسوب می‌شود - اگر با تزکیه و تهذیب نفس همراه نشود، ممکن است انسان را به جهنم وارد کند. حضرت امام(ره) در یکی از سخنان خود خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی فرمودند: مهم‌ترین مرض، حب‌نفس است. خودخواهی منشأ هر فساد است و داروی برطرف‌کننده این مرض، نابود ساختن این خصیصه شیطانی است.

ایشان در ادامه می‌فرمایند: باید این خصلت را از بین برد. انسان باید نفس خود را ریاضت دهد و از خودپرستی پرهیز کند. مبدا یکی از شما بگوید «من عالم هستم»، «من مقدس هستم»، «من پولدارم»، «من زاهد هستم» یا «من عارف هستم». هر کدام از این علوم، حتی اگر علم اعلا یا عرفان هم باشد، اگر با این خصیصه شیطانی همراه شود، حجاب است. علم، حجاب اکبر است. اگر انسان بخواهد نفس خود را تهذیب کند، تهذیب نفس با علم ممکن

برادران و خواهران گرامی؛ حضرت امام(ره) در طول حیات خود با جدیت تلاش کرد تا چهره تابناک اسلام اصیل را نمایانده، زنگارها و انحرافات چند صد ساله را از آن بزدايد. ایشان سعی داشت تا اسلام ناب و خالص را از سرچشمه پاک و زلال آن برگرفته و پیاده کند و در راه رسیدن به این هدف، رنجها و مشقت‌های بسیاری را از جانب خشک مقدس‌ها و متحجران و دوستان مقدس‌نمای نادان متحمل شد که از دشواری‌های ایجاد شده از سوی طاغوتیان و مستکبران نیز بیشتر بود. ایشان این درد و رنج را در پیام مشهوری در ۱۳ رجب خطاب به علما و حوزه‌های علمیه بیان داشت.

این وظیفه سنگین و خطیر، نیازمند شخصیتی چون امام خمینی(ره) بود تا بتواند از عهده آن برآید به خصوص آنکه ایشان از جایگاه فکری، عرفانی، فلسفی و فقهی برخوردار بوده، نقش مؤثری در رهبری امت داشتند و از شجاعت لازم برای انجام این مهم بهره‌مند بودند.

یکی از مفاهیمی که دستخوش تحریف واقع شده و تغییر یافته بود، مفهوم عرفان است، به خصوص زمانی که برخی، عرفان را به مفهوم گوشه‌گیری از جامعه و نشستن در کنج عزلت و بی‌توجهی به مسئولیت‌ها و سرنوشت ملت می‌دانستند، در حالی که طاغوتیان و ظالمان، زمام امور را در دست داشتند.

حضرت امام خمینی(ره)، پیشوای عارفان، به منظور اصلاح مفهوم عرفان و ارائه معنای درست آن، در مناسبت‌های بسیاری سخن گفته، در یکی از آنها فرمودند: این‌طور نبود که علمای ما، در طول تاریخ از سیاست کناره‌گیری کنند. عده زیادی گمان می‌کنند که عرفان، یعنی اینکه انسان در جایی بنشیند و ذکری بگوید و سماعی انجام دهد. آیا مفهوم عرفان این است؟!

امام علی(ع) که در آن مرتبه بلند عرفان قرار داشتند، هیچ‌کدام از این کارها را انجام نمی‌دادند. اینها گمان کرده‌اند که عارف باید به طور کامل از همه چیز کناره‌گیری کند، گوشه‌ای بنشیند و ذکر بگوید و چیزی بخواند. امیرالمؤمنین(ع) از عارف‌ترین بندگان خدا بود؛ اما با این وجود گوشه‌گیری نکرد و هیچ‌گاه حلقه ذکر نداشت. بلکه کارهایش را انجام می‌داد... حضرت موسی(ع) هم اهل سیر و سلوک بود؛ اما نزد فرعون رفت و آن کارها را انجام

داد. حضرت ابراهیم(ع) هم به همین صورت... همچنین رسول... (ص). همه ما می‌دانیم که پیامبر اکرم(ص) سالهای طولانی در حالت سیر و سلوک قرار داشتند و زمانی هم که فرصت ایجاد شد، برای اجرای عدالت، حکومت سیاسی برپا کردند.

امام(ره)، در مناسبتها و سخنرانیها و تألیفاتشان، آن نوع عرفانی را که گوشه‌گیری و انزوا و بی‌توجهی به اجرای احکام الهی را توصیه می‌کند، برگرفته از اسلام امریکایی دانسته، و آن را مرتبط با اسلام ناب محمدی(ص) محسوب نمی‌کردند. خواه پیروان این روش، این واقعبت را درک کنند یا نه. امام خمینی(ره) همواره بر پیوند عمیق و محکم میان عرفان و جهاد و شهادت تأکید می‌ورزیدند و جهاد و شهادت را از نتایج عرفان واقعی می‌دانستند. مگر نه اینکه «جهاد»، دری از درهای بهشت است و خداوند آن را به روی بندگان خاص خود می‌گشاید؟ همین اولیای خدا هستند که این در را می‌کوبند و از در جهاد به درجه رفیع شهادت می‌رسند و از نعمت بزرگ لقای پروردگار و جوار او بهره‌مند می‌گردند.

تصور ما باید بر این اساس باشد که نیروی عرفان، باید بتواند انسان را به مجاهدی بزرگ تبدیل کند، او را به سوی مسئولیت‌پذیری و فداکاریهای بزرگ سوق دهد و قدرت رویارویی با طاغوت را در وی ایجاد کند، هر چند دست خالی و بی‌سلاح باشد. عرفان واقعی، باید بتواند قدرت بیان سخن حق را در انسان به وجود آورد و در عرصه مبارزه، به او نیرویی دهد که جز از خداوند از کسی نهراسد. عرفان، باید تجلی آگاهی، عزم و اراده انسان و وارستگی او از هر چه غیر خدا باشد. عرفان حضرت ابراهیم(ع)، به او شجاعتی عطا کرد که بتها را بشکند و با نمرد به مبارزه برخیزد و در برابر آتش او، هراسی به خود راه ندهد. عرفان حضرت موسی(ع) موجب شد با قدرت، در برابر فرعون بایستد و سخن حق را بگوید، در حالی که جز عصای خود و برادرش، کسی را به همراه نداشت. عرفان حضرت عیسی(ع)، توان رویارویی با ظالم و عوامفریبی کاهنان معابد و راهزنان طریق وصول الی... را به وجود آورد؛ و عرفان حضرت محمد - صلی... علیه و آله - اراده آن حضرت را تقویت کرد تا در برابر جاهلیت خوفناک و تبهکاران و طاغوتیان

به پا خیزد و در مقابل اذیت و آزار آنان، صبر و تحمل پیشه کند، چنان‌که از ایشان نقل شده است: «هیچ پیامبری به اندازه من اذیت و آزار ندید.» از میان نمونه‌های دوران معاصر نیز امام خمینی(ره) یکی از کسانی بودند که عده کثیری از شهدا و مبارزان راه خدا را مثال روشنی از عرفان واقعی برشمردند.

در یکی از دیدارها، یک برادر لبنانی تصاویر و وصیت‌نامه‌های برخی از شهدای عملیات استشهدای مقاومت اسلامی را تقدیم امام(ره) کرد. ایشان وقتی وصیتنامه‌ها را خواندند و تصاویر را دیدند، فرمودند: عارفان حقیقی اینها هستند... این جمله، گواه روشنی از سوی امام(ره) و پیشوای عارفان و مجاهدان است.

امام خمینی(ره) در سخنان خود درباره جبهه‌های حق علیه باطل چنین می‌فرمایند: بروید این جبهه‌ها را ببینید. این سنگرها مسجد هستند. این سنگرها مرکز عرفان و خدانشناسی هستند در این سنگرها، شب‌زنده‌داری می‌کنند و روزها جانفشانی می‌نمایند.

در جای دیگر، امام(ره) در وصف فداکاریهای مجاهدان و عشق آنان به شهادت و وارستگی آنان از قید و بندها می‌فرمایند: آنچه این رزمندگان در طلب آن هستند و آرزوی آن را دارند، ما نمی‌توانیم تصور کنیم، و بالاتر از آن است که فلاسفه و عرفا بتوانند بنویسند و هنرمندان و نقاشان بتوانند آن را به تصویر بکشند. آنچه عارفان و فیلسوفان با روشهای علمی و استدلالی و عرفانی به آن رسیده‌اند، این رزمندگان با گامهای غیبی به آن مرحله رسیدند. آنچه فیلسوفان در لابه‌لای کتابها و نوشته‌ها می‌جویند، اینها در میدان‌های خون و شهادت در راه خدا به آن رسیده‌اند.

همچنین، امام(ره) بر تأثیر متقابل میان عرفان و جهاد تأکید دارند تا جایی که عارف و سالک مجاهد می‌تواند در زمان کوتاه، به برکت جهاد و صبر و شهادت و خون، راهی طولانی را طی کند. امام(ره) می‌فرمایند: اینها یک‌شبه ره صد ساله رفتند و یکسره به همه آنچه عرفا و شاعران عارف در طول سالیانتمادی در پی آن هستند، دست یافتند و عشق به لقاء... را از شعار به عمل تبدیل کردند. آنها با اعمال خود در جبهه‌های دفاع از اسلام عزیز،